

سیاست

مردم

چه کسی و چگونه؟

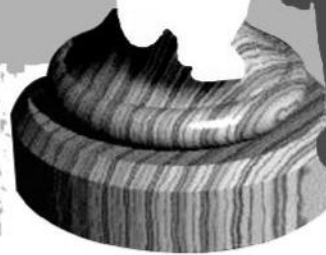
علی فرهمندیور

اشاره

در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم برگزیده می‌شود؛ از این رو عملکرد او همواره توسط آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و در مجامع عمومی رسمی و یا غیر رسمی بیان می‌شود. شاید به جرأت بتوان گفت بیش تر این بیان‌ها غیر کارشناسانه و بدون بهره‌گیری از اصول منطقی و اساسی است. حال پرسشی که در این جام مطرح می‌شود، این است که چه کسی شایستگی و یا شاید استقامت به عهده‌گیری این پُست مهم و پر مشغله را دارد؟

►► مدیر شایسته، کسی است که بدون توجه به تشویق‌های طرفداران و تهدیدهای مخالفان، تنها بر اساس واقعیت‌ها گام بردارد و تا تحقق کامل اهداف و آرمان‌های خود آرام نگیرد.

►► گاهی هم این انتخاب بر اساس شعارهای تبلیغاتی هر کاندیدا است و این شعارهای تبلیغاتی که بازار بورس دوره انتخابات است، گاه با چنان آب و تابی بیان می‌شود که از میان آن‌ها می‌توان یک آرمان‌شهر و مدینه فاضله را ترسیم کرد.



که پس از گذشت یک دوره و با بررسی عملکرد یک مسؤول به این نتیجه رسیده‌اند که وی شایسته این جایگاه نیست.

به هر حال یک مسؤول با شیوه‌های گوناگون مورد بازجویی قرار می‌گیرد و این دو گروه از هر فرصتی برای ابراز مخالفت خود استفاده می‌کنند. بیان مخالفت هم به هر گونه‌ای که باشد، بیش‌تر از موافقت، شیرین و قابل دریافت است؛ به عبارت دیگر معمولاً کارهای مثبت شخص مسؤول بیان نمی‌شود، تا در کار خود اشتباه نکند و خطاهای وی تذکر داده می‌شود تا به جبران آن‌ها بپردازد.

بنابراین یک مسؤول هرگز خوب نیست؛ زیرا اگر بخواید رضایت طرفداران خود را جلب کند، مخالفان ناراضی هستند و اگر بخواهد رضایت مخالفان را کسب کند با واکنش موافقان خود روبه‌رو خواهد شد؛ از این رو است که برخی از مسؤولان، با در پیش گرفتن رفتار متعادلانه، گاه برای مخالفان و گاه برای موافقان گام برمی‌دارند، که غافل شدن از اصل مسؤولیت و بی‌نظمی در کارها را به همراه داشته است. مسؤول و مدیر شایسته، کسی است که بدون توجه به تشویق‌های طرفداران و تهدیدهای مخالفان، تنها بر اساس واقعیت‌ها گام بردارد و تا تحقق کامل اهداف و آرمان‌های خود آرام نگیرد.

در دوره‌های پیشین ریاست‌جمهوری شیوه‌های گوناگونی را در زمینه چگونگی روبه‌رو شدن با آرا و انتقادات مختلف دیده‌ایم. اما امروز با نگاهی ساده و گذرا به خوبی می‌توان دریافت که کشور در بسیاری از امور با مشکل روبه‌رو است و از هر سو انگشت خود را به سوی رئیس‌جمهور نشانه می‌رود. برای مثال، کشور در دوره سازندگی گام‌های بزرگی در برخی زمینه‌ها برداشت، که در دوره بعد و درست هنگام بارور شدن متوقف شد و یا به گونه‌ای رو به عقب نهاد. و یا در دوره‌ای، برداشت‌های گوناگونی از یک کلمه بیان شد که عملکرد افراد زیر سؤال رفت و حدود مشخص شده در نظام سست و گاهی بی‌معنا شد.

پرسش مطرح در این جا این است که بعد از پایان یک دوره ریاست‌جمهوری، عملکرد رئیس‌جمهور بعدی باید چگونه باشد؟ در این باره می‌توانیم مراحل ساخت یک ساختمان را مورد ارزیابی قرار دهیم که برای مثال، بنا هنگام ساختن یک اتاق پذیرایی، جایگاه چراغ‌های تزئیناتی را مشخص می‌کند تا مرحله بعد از آن - برق کشی - بدون مشکل فنی صورت پذیرد.

یک رئیس‌جمهور باید بداند که در اجرای هر پروژه و یا برقراری هر ارتباط سیاسی و اجتماعی، تنها یک دوره چهار ساله را مهلت دارد و خود را فقط برای چهار سال رئیس‌جمهور ببیند. اگر با این دید گام بردارد، هرگز کلنگ کارخانه‌ای را به زمین نمی‌زند که فقط بودجه یک ماه آن تأمین شده باشد و یا مسائل مخالف با

در نخستین دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری، مردم مطمئن بودند که شخصیتی را در جایگاه ریاست‌جمهوری خواهند دید که برای تحقق اهداف امام است و رهبری نظام گام برمی‌دارد و دلسوزانه از این انقلاب دفاع می‌کند. آن روزها حال و هوای انقلاب اسلامی حکم‌فرما بود و غیر از این، چیز دیگری تصور نمی‌شد؛ اما این روزها دیدگاه‌های گوناگونی با به عرصه می‌نهد که هر یک تخصصی‌تر از دیگری است و با فرمول‌های خاص سیاسی، پشتیبانی و بیان می‌شوند.

اگر مردم در دوره نخستین انتخابات ریاست‌جمهوری، رأی خود را فقط با یک نگاه ساده و بدون هیچ‌گونه تحقیق و بررسی به صندوق‌ها می‌ریختند، به این سبب بود که همه چهره‌ها شناخته شده و عملکرد آن‌ها روشن بود؛ ولی امروزه با این شیوه نمی‌توان انتخاب درستی داشت؛ چرا که هر روز و هر ساعت انسان‌ها لباس شخصیتی و حتی تفکرات اساسی خود را که روزها و شاید سال‌ها به عنوان اصل و نسب خویش بیان کرده بودند، عوض می‌کنند و به سرعت در قبیله مخالف ظاهر می‌شوند.

این روند سیاسی، افزون بر گفتار، در عملکرد بسیاری از مسؤولان نیز مشاهده می‌شود، به طوری که مثلاً فلان مسؤول در شعارهای تبلیغاتی و یا چارت تشکیلاتی خود به گونه‌ای عمل می‌کند که مورد رضایت همه واقع می‌شود و لباس مسؤولیت را دریافت می‌دارد؛ ولی بعد از چند صباح، دیده‌ها و شنیده‌ها واقعیت دیگری را بیان می‌کند.

با بررسی دوره‌های انتخاباتی خواهیم دید که در هر دوره، مشکلات و نارضایتی‌هایی وجود داشته است، ولی نخست باید به این پرسش پاسخ داد که آیا یک رئیس‌جمهور ممکن است خوب باشد؟!

پاسخ این پرسش منفی است و شاید تعجب کنید که یک رئیس‌جمهور هیچ‌گاه خوب نیست. زیرا بر اساس اصول مدیریت، یک مسؤول در هر جایگاهی با چهره‌های مخالف فراوانی روبه‌رو است که دو دسته هستند:

دسته اول، کسانی که به سبب حفظ پست و مقام و یا دلایل شخصی، از ابراز مخالفت خویش خودداری می‌ورزند و همواره با سخنان و عملکردهای پشت پرده و بی‌سر و صدا، آن را اعلام می‌کنند. دسته دوم که معمولاً در اجتماع شناخته شده‌اند، افرادی هستند که به‌طور آشکار مخالفت خود را بیان می‌کنند و عملکرد یک مسؤول را زیر سؤال می‌برند.

این دسته از افراد، خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. نخستین گروه، کسانی هستند که از آغاز با حضور این مسؤول مخالف بوده و در حال حاضر هم بازی انتخاباتی را باخته‌اند. دسته دوم افرادی‌اند

►► یک رئیس‌جمهور باید بداند که در اجرای هر پروژه و یا برقراری هر گونه ارتباط سیاسی و اجتماعی تنها یک دوره چهار ساله را مهلت دارد و خود را فقط برای چهار سال رئیس‌جمهور ببیند.

►► یکی از نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، تلاش برای اجرای «سکس حلال» بین دانشجویان را از هدف‌های خود مطرح کرده بود.

وقدرت‌طلبی به خوبی مشاهده می‌شود؛ برای مثال یکی از نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، تلاش برای اجرای «سکس حلال» بین دانشجویان را از هدف‌های خود مطرح کرده بود. باید از این انسان محترم پرسید که برای رسیدن به یک مقام دنیوی، چه ارزش‌هایی را باید زیر پا گذاشت؟ و آیا برای کسب قدرت در حکومتی اسلامی می‌توان اعتقادات مردم را بازیچه قرار داد؟ پاسخ به این پرسش‌ها، از نقاط گنگ و کور انتخابات است که در این باره انسان‌های زیادی به بن‌بست می‌رسند و ناخواسته آرای سفید و یا باطله را به صندوق‌های رأی می‌اندازند. البته باید توجه داشت که این آرای باطله گاه از سوی مخالفانی است که در آغاز به آن‌ها اشاره شد. ولی بسیار تأسف‌آور است که یک شخصیت روشنفکر، در انتخابات ریاست‌جمهوری به بن‌بست برسد و رأی خود را سفید و یا باطل در صندوق بیندازد.

نکته دیگر این است که تکلیف آن بخش از نیازهای مردم که در شعارهای تبلیغاتی یک رئیس‌جمهور بیان نشده، چه می‌شود؟ هرکandidا وعده می‌دهد که در صورت رسیدن به ریاست جمهوری، نیازهای مشخصی را برطرف کند؛ برای نمونه از سوی کاندیدای «الف» موضوع امنیت و از سوی کاندیدای «ب» مسأله اشتغال بیان می‌شود. پرسش ما این است که آیا در صورت انتخاب شدن کاندیدای «ب» که در شعارهای خود از امنیت حرفی نزده است، کشور باید دچار ناامنی شود؟ پاسخ به این پرسش به مقدار زیادی اطلاعات سیاسی و یا امنیتی احتیاج دارد که از عهده ما بیرون است؛ ولی به راستی تکلیف آن دسته از خواسته‌ها و اصول‌هایی که در بیان کاندیداهای ریاست‌جمهوری نیست، پس از انتخاب شدن، چه خواهد بود؟

در یک نتیجه‌گیری کلی بیان این مطالب خالی از لطف نیست که اولاً؛ یک فرد کاندیدا باید خود را با بیانی ساده و خالی از هرگونه اغراق و بزرگ‌بینی معرفی کند تا همه قشرهای مردم هنگام انتخابات با دوگانگی و یا بن‌بست فکری روبه‌رو نشوند و به جای گریز از صندوق‌های رأی، خود را در سرنوشت‌شان سهیم بدانند. ثانیاً؛ هر فرد برای به عهده گرفتن مسؤلیت خطیر ریاست‌جمهوری، زندگی و ناموس خود را از جایگاه مردم مشاهده کند و با نگاهی کاملاً عادلانه و خداپسندانه گام بردارد.

پی‌نوشت

۱. ذکر نام این نماینده محترم به دلایل شرعی جایز نیست. ایشان از نامزدهای هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بودند که موفق به کسب آرای لازم نشدند.

عرف جمهوری اسلامی را برای مردم عادت نمی‌کند؛ زیرا بودجه کارخانه‌ای که کلنگ آن بر زمین خورده، پس از متوقف شدن دیگر تصویب نخواهد شد و اگر هم تصویب شود روحیه کار مانند دوره گذشته‌اش نخواهد بود. و برای جلوگیری از عادت نادرستی که بین مردم رواج یافته، هزینه زیادی نیاز است.

با بیان این مثال و تحلیل آن به خوبی روشن می‌شود که برای تصدی ریاست‌جمهوری شخصی برتر از یک انسان عادی باید درصحنه حاضر شود. ملتی که لحظه به لحظه روزهای زندگی خود را با حماسه و ایثار به دست آورده است و اکنون در دوران آرامش و آسایش فیزیکی به سر می‌برد، به مدیریت و برنامه‌ریزی اساسی نیاز دارد. رئیس‌جمهور خوب کسی است که این مدیریت و برنامه‌ریزی را به گونه‌ای انجام دهد که مردم، نگران عملکرد او نباشد.

پرسش دیگری که در این جا می‌توان مطرح کرد، این است که نامزد تصدی ریاست‌جمهوری، چگونه خود را معرفی کند؟ یک فرد در دوران زندگی خود، موفقیت‌ها و شکست‌های زیادی را پشت سر گذاشته و تنها چیزی که باقی می‌ماند، تجربه به دست آمده است. این تجربه‌ها فقط در مراحل اجرای کارها اهمیت دارد و هیچ‌گاه نمی‌توان آن را مینا قرار داد؛ چرا که هر کاری در هر مرحله‌ای تأثیر ویژه‌ای دارد. مثلاً در اوایل انقلاب به مبارزه قاطع با مواد مخدر و اعتیاد نیاز بود و مجرمان بایستی به اشد مجازات می‌رسیدند، چراکه ملت ما گرفتار جنگ تحمیلی بود و برخورد نکردن با مفاسد داخلی صدمات جبران‌ناپذیری به اجتماع وارد می‌کرد و تأثیرات منفی فراوانی در جنگ فیزیکی ما داشت. ولی در حال حاضر نه تنها آن همه شدت و مجازات مورد نیاز نیست بلکه به ضرر ملت خواهد بود؛ چرا که موقعیت و جایگاه مردم فرق کرده و نوع مبارزه و اهداف آن هم به گونه دیگری است. بر این اساس، افراد کاندیدا برای تصدی ریاست‌جمهوری را نمی‌توان با توجه به خاطرات گذشته آن‌ها برگزید، بلکه باید نوع عملکرد و چگونگی اجرای هر برنامه را در آن موقعیت خاص بررسی کرد که آیا موفق بوده یا نه؟

به خوبی می‌توان دید که بسیاری از انتخاب‌ها نه تنها طبق شیوه تخصصی عملکرد نیست بلکه گاه بر اساس شکل ظاهری هر فرد صورت می‌گیرد. گاهی هم این انتخاب بر اساس شعارهای تبلیغاتی هر کاندیدا است و این شعارهای تبلیغاتی که بازار بورس دوره انتخابات است، گاه با چنان آب و تابی بیان می‌شود که از میان آن‌ها می‌توان یک آرمان‌شهر و مدینه فاضله را ترسیم کرد. به راستی یک شعار تبلیغاتی باید براساس چه اصول و قواعدی بیان شود؟ گاهی در برخی از شعارهای تبلیغاتی، بازی سیاسی